

عدالت انتقالی: پایه‌های آرامش قربانیان نقض حقوق بشر

مهدی زاکریان*

دیباچه

بسیاری گمان می‌برند که باید از ستمی که بر یک فرد وارد می‌شود، گذشت نمود. در گفتمان مسیحیت چنین رویکردی بسیار پر رنگ است و همین گفتمان سبب‌ساز شکل‌گیری رهیافت نوین فلسفی در علم حقوق گردید که منجر به نادیده گرفتن مجازات مرگ و کوچک شمردن پدیده قصاص گردید. این رهیافت به شیوه و انگیزه‌های دیگر از سوی حاکمان مستبد در کشورهای جنوب نیز تبلیغ و ترویج می‌شد. بر پایه این رویکرد اگر به شما آسیبی وارد شد، حقوق شما نقض شد، عدالت و دادگری درباره شما به اجرا در نیامد و یا پاره‌ای از قواعد حقوق بشر نسبت به شما نقض گردید باید کمی گذشت کنید. آنها را از یاد ببرید. دنیا پر است از بی‌عدالتی‌های فراوان و بهترین درمان چنین آسیب‌هایی فراموشی است. این موضوع هنگامی رنج‌آور می‌شود که با قربانیان نقض گسترده حقوق بشر هم این‌گونه سخن بگوییم. عدنان شهروند عراقی، پدر خود را پای چوبه‌دار به دلیل مخالفت با صدام از دست داد. برادران بزرگتر او شغل خود را از دست دادند و او که کودکی بیش نبود جز خاطره‌های تلخ زندگی چیزی به

* دکتر مهدی زاکریان، استادیار حقوق بشر دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات است. (zakerian@isj.ir)

ذهن ندارد. گفته می‌شود که اکنون و در آینده حقوق شهروندی به عراق باز خواهد گشت و عدنان‌های دیگری گواه ستمهایی که بر عدنان رفت نخواهند بود. ولی پرسش اینجاست که آیا این امر می‌تواند خاطره‌های تلخ عدنان را پاک کند؟ ستمهای وارد شده به او و خانواده‌اش را جبران کند؟ ناآرامیها و تنشهای آن روزها را از ذهن او پاک کند؟

اینجاست که «عدالت انتقالی» به کمک عدنان، خانواده او و خانواده‌های مانند او می‌آید. عدالت انتقالی موضوع جبران حقوق و زیانهای قربانیان نقض حقوق بشر است. عدالت انتقالی تلاش می‌کند شیرینی امروز و فردای حقوق بشر را به گذشته عدنانها هم منتقل کند تا دیروز آنها هم به مانند امروزشان ارزش زندگی و ثبت زندگی داشته باشد. ضمن اینکه ساز و کارهایی را فراهم آورد که آینده‌ای پر ثبات، مطمئن و همراه با آرامش و دموکراسی بسازد. البته اگرچه عدالت انتقالی از پاک کردن همه ردپاهای گذشته ناتوان است و آثار روحی و روانی آن همواره باقی می‌ماند ولی تلاشی است برای تسکین رنجهای گذشته و ساخت فردایی شیرین. نوشتار پیش روی، اهداف، تکنیکها، دشواریها و به ویژه روشهای گوناگون پیاده‌سازی عدالت انتقالی را بررسی، تبیین و تحلیل می‌کند.

اهداف

عدالت انتقالی مربوط به جوامعی است که در حال گذار از جنگ به صلح یا از یک رژیم اقتدارگرا به نظام دموکراتیک هستند.^۱ بنابراین انگیزه اصلی از عدالت انتقالی استقرار صلحی پایدار و دموکراسی مطمئنی است که به مردم یک کشور آرامش همیشگی را هدیه کند. در این زمینه اهدافی را که می‌توان برای عدالت انتقالی بر شمرده عبارتند از: برخورد با میراث سنگین سوء استفاده گسترده از عدالت جزایی، نگاه به نوعی عدالت جبرانی و ایجاد عدالت اجتماعی و اقتصادی^۲ تا یکایک افراد جامعه بیاموزند که آینده‌ای مطمئن همراه با کنترل معیارهای حقوق بشر را باید ساخت و در پیش رو قرار داد. به همین روی، هدف اصلی عدالت انتقالی کمک به نابودی هرگونه سوء استفاده از عدالت کیفری و برقراری عدالت

اجتماعی پایدار است. همچنین ایجاد مسئولیت برای ارتکاب جرایم انجام شده در گذشته و پیش‌بینی اینکه نقض برخی از قواعد حقوق بشر و قربانی کردن افراد یک جرم بین‌المللی و فراملی است.^۲

این موضوع می‌تواند هشدار برای رهبرانی باشد که ستم بر شهروندان کشورهای خود را پیشه کرده‌اند و آن را ادامه می‌دهند. شاید اگر پینوشه، میلو سوویچ، صدام حسین و بسیاری دیگر از رهبران مستبد و دیکتاتور می‌دانستند که در برابر سخنان، تصمیمها و رفتارهایشان دارای مسئولیت هستند و هر نوع رفتار غیر حقوق بشری می‌تواند منجر به بازخواست و اتهام ارتکاب جرایم شود، هیچ‌گاه مرتکب جرایمی مانند نسل‌کشی، نقض گسترده حقوق بشر، شکنجه، اعدامهای اختصاری و غیره نمی‌شدند و دیگران نیز می‌آموختند که در برابر بسیاری از امور دارای مسئولیت هستند و چه بسا که سرنوشتی جز سرنوشت رهبران یاد شده در انتظار آنها نباشد. در همین زمینه است که موضوع ایجاد مسئولیت برای جرایم ارتكابی انجام شده در گذشته و پیش‌بینی اینکه برخی از رفتارها نیز جرم محسوب می‌شوند و در آینده نباید مرتکب آنها شد از اهداف مهم عدالت انتقالی محسوب شده و بر آن تأکید می‌شود.

بنابراین اگر بخواهیم اهداف عدالت انتقالی را یکبار دیگر مرور کنیم عبارتند از:

- مشخص کردن نقض حقوق بشر صورت پذیرفته
- بررسی و تبیین جرایم
- شناسایی مسئولین و مرتکبین نقض حقوق بشر
- مجازات مسئولین نقض حقوق بشر
- تخصیص غرامت به قربانیان نقض حقوق بشر
- ممانعت از تکرار نقض حقوق بشر در آینده
- بازسازی و ترمیم روابط میان شهروندان و حکومتها
- حمایت و تحکیم صلح و دموکراسی

● تشویق و ترغیب به سازش و همزیستی در سطح فردی و ملی^۴

تکنیکها

عدالت انتقالی اساساً روی چهار ساز و کار حقوقی اصلی قرار می‌گیرد که عبارتند از: الف) دادگاهها شامل دادگاههای مدنی یا کیفری، ملی یا بین‌المللی و داخلی یا خارجی؛ ب) تحقیق که در بر گیرنده بررسیهای ملی رسمی مانند کمیسیونهای حقیقت‌یاب، کمیسیونهای تحقیق بین‌المللی، ساز و کارهای سازمان ملل متحد با همکاری سازمانهای بین‌المللی غیر حکومتی است؛ ج) جبران غرامت که در بر گیرنده غرامتهای تکمیلی، تشویقی و سمبلیک به منظور جبران خسارتهای مادی یا ایجاد سازش است؛ د) اصلاحات حقوقی و قضایی^۵ که در بر گیرنده اصلاحات محتوایی و شکلی است که در شق نخست اصلاحات قانونی، رویه‌ای و آیین‌نامه‌ای و در شق دوم در بر گیرنده اصلاحات نهادی و ساختاری است.

چهار شیوه یاد شده در بالا، تکنیکهای کلانی هستند که در ادبیات عدالت انتقالی به چشم می‌خورند و هر یک خود به صورت جزئی و تخصصی‌تر قابل بررسی و بحث هستند که در ذیل به آنها پرداخته می‌شود.

دادگاهها

افراد همواره دادگری را با ترازوی آن می‌سنجند و این چیزی به ذهن تبادر نمی‌کند جز «دادگاه». در موضوع عدالت انتقالی نیز دادگاهها یا محاکم، یک ساز و کار بزرگه بر اهمیت و آغازین به شمار می‌روند که می‌توانند در انتقال از نظامهای اقتدارگرا به مردم سالار بسیار موفق عمل کنند. در واقع هم بر پایه حقوق بین‌الملل همه دولتها متعهد به تحقیق درباره نقض حقوق بشر هستند که خود در دو حوزه مطرح است: نخست نقض گسترده و فاحش حقوق بشر که شامل شکنجه، اعدامهای اختصاری، ناپدیدشدگی اجباری، بردگی،

بازداشت‌های غیرقانونی و طولانی مدت است. دوم جرایم بین‌المللی که شامل ژنوساید، جنایت علیه بشریت و نقض فاحش قواعد عرفی مربوط به درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی است.^۶

این تعهد دولتها دست‌کم در برگیرنده مسئولیت استرداد یا تعقیب دادگستری ناقضین حقوق بشر و مرتکبین چنین جرایمی است به گونه‌ای که ماهیت عرفی این تعهدات سبب شده است تا در حقوق داخلی، جزایی و اساسی بسیاری از ملتها وارد شود.^۷ این موضوع از جمله همفکریهایی است که بیشتر دولتها آن را به تصویب جهانشمول رسانده‌اند. به ویژه قراردادهای بین‌المللی و ملی به روشنی چنین تعهداتی را تأیید می‌کنند. همچنین بسیاری از بیانیه‌ها و قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و دادگاه اروپایی حقوق بشر از این تعهدات پشتیبانی می‌کنند. اگرچه یک Marginal appreciation در این زمینه پیش‌بینی شده است.^۸ البته بایستی به این نکته هم توجه کرد که دادرسی‌های ملی نسبت به دیگر محاکم دارای ترجیح هستند زیرا با توجه شرایط سیاسی و اجتماعی یک کشور و در جریان تغییرات عدالت انتقالی چه از نظر فرآیند و چه عملیاتی بهتر می‌توانند عمل کنند.^۹

شکل‌گیری محاکم جهانی نیز به چندگونه بوده است: محاکم بین‌المللی مانند دادگاه یوگسلاوی سابق، رواندا و دیوان کیفری بین‌المللی و محاکم بین‌المللی شده مانند دادگاه ویژه سیرالئون و دادگاههای خارجی مانند دادگاه بروکسل و دادگاه بریتانیا و دادگاههای ملی مانند دادگاه در ایالات متحده آمریکا. از محاکم بین‌المللی می‌توان به دادگاه جنایتکاران جنگی یوگسلاوی سابق اشاره کرد که در سال ۱۹۹۳ طی قطعنامه شورای امنیت پس از جنگ سرد شکل گرفت. این دادگاه در واقع نخستین دادگاه بین‌المللی برای جرایم جنگی از هنگام شکل‌گیری دادگاههای نظامی نورمبرگ و توکیو محسوب می‌شوند.^{۱۰} این دادگاه راجع به محاکمه افرادی است که متهم به جنایات جنگی، ژنوساید، جنایت علیه بشریت و نقض فاحش کنوانسیون ژنو در یوگسلاوی از سال ۱۹۹۱ می‌باشند.^{۱۱} حساس‌ترین برهه در تاریخ دادگاه یوگسلاوی هنگامی بود که در ژوئن ۲۰۰۱ اسلوبودان میلوسویچ رییس‌جمهور

سابق یوگسلاوی تحویل دادگاه شد. بازداشت و تحویل میلو سوویچ یک نقطه قوت در تلاشهای مربوط به تضمین تداوم مسئولیتها برای جنایتهای بین‌المللی ارتكابی طی بیش از ده سال گذشته در یوگسلاوی سابق بود.^{۱۲}

همچنین دادگاه رواندا، دیوان کیفری بین‌المللی و دادگاه مختلط سیرالئون اهمیت موضوع و توجه به تحول محاکم کیفری بین‌المللی را افزوده‌اند. فرآیند تقویت همین محاکم سبب شد تا با صلاحیت جهانشمولی که یافته‌اند و بر پایه اصول حقوق بین‌الملل برخی دولتها به خود اجازه دهند تا نسبت به برخی از جرایمی که در خارج از مرزهای سرزمینی آنها رخ می‌دهد صلاحیت قضاوت را به دست آورند. در این زمینه بسیاری از کشورهای اروپای باختری به ویژه بلژیک علیه اتباع خارجی متهم به مسئولیت جنایتهای بین‌المللی وارد عمل شدند. همچنین برخی از دادگاهها توانستند یک صلاحیت قضایی مبتنی بر قرارداد، را برای عمل خود احراز کنند، مانند تعقیب پینوشه در سال ۱۹۹۹ در بریتانیا که به واسطه تعهدات قراردادی مربوط به کنوانسیون ضد شکنجه پدید آمده بود.^{۱۳} برخی کشورها مانند آمریکا نیز قوانین ویژه خود را در این زمینه دارند. در ایالات متحده آمریکا شکات خارجی می‌توانند یک دادرسی مدنی برای جنایتهای بین‌المللی توسط اتباع خارجی در کشورهای مبدأ خود را به واسطه یکی از دو قانون زیر ارایه کنند: (۱) قانون مربوط به خسارت نسبت به بیگانگان^{۱۴} و (۲) قانون حمایت از قربانیان شکنجه.^{۱۵}

با این همه، گاه محاکم مزبور با موانعی روبه‌رو می‌شوند از جمله به دست آوردن حکم فوری بازداشت موقت متهم در هنگام نیاز یا ضرورت، پدیداری دیگر موانع ممکن حقوقی مانند جرایم دوگانه، اصل استثنا، جرم سیاسی، قانون ثبت پذیرش، مصونیت دیپلماتیک، مقامات دولتی و حکومتی و ... علاوه بر دادگاههای بین‌المللی، بین‌المللی شده، خارجی و ملی می‌توان به دادگاههای بین‌دولتی نیز اشاره کرد که می‌توانند آراء و راه‌حلهای قضایی برای نقض حقوق بشر ارایه کنند. دو نمونه روشن و موفق این نوع دادگاهها، دادگاه اروپایی حقوق بشر و دادگاه بین‌آمریکایی حقوق بشر است.^{۱۶}

عفو

عفو به کسب مصونیت یا بخشش از قانون قابل اجرا گفته می‌شود که از سوی یک دولت به یک دسته معینی از افراد برای یکسری اعمال معین داده می‌شود. در واقع عفو ابزارهای استثنایی برای حل یک وضعیت خارق‌العاده یا یک مرحله از زندگی یک ملت است.^{۱۷} البته بایستی به تفاوت بسیار ظریفی که میان عفو و بخشش وجود دارد توجه کنیم و آن اینکه بخشش معمولاً پس از طی مرحله قضایی انجام می‌شود.

این که عفو در جاهایی می‌تواند به سلامت یک جامعه کمک کند و اهداف عدالت انتقالی را محقق سازد موضوع روشنی است، ولی ممکن است در جاهایی عفو غیر قابل پذیرش باشد از جمله:

۱. هنگامی که حق قربانیان در دریافت غرامت ضایع شود؛ ۲. هنگامی که در تعارض با تعهدات بین‌المللی یک دولت باشد؛ ۳. هنگامی که از منظر حقوق بین‌الملل، شماری از مرتکبین نقض حقوق بشر بایستی مجازات شوند؛ ۴. هنگامی که حیثیت علم حقوق و قضا لکه دار شود؛ ۵. آنگاه که مرتکبین جرایم عادی در خیابانها دستگیر و مرتکبین جرایم نقض حقوق بشر آزاد باشند؛ ۶. این برداشت که ارتکاب جرایم سنگین می‌تواند بدون تاوان و مجازات باشد؛ ۷. و دیگر اینکه مرتکبین جرایم فاحش حقوق بشر فکر کنند که با عفو می‌توانند از مجازات بگریزند.^{۱۸} البته هیچ کنوانسیون بین‌المللی صراحتاً عفو را ممنوع و یا تشویق نمی‌کند مگر پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیونهای ژنو که عفو را در شرایط درگیریهای مسلحانه داخلی تشویق می‌کند. با این همه، این تشویق به معنای حمایت از عفو در هنگام نقض حقوق بین‌الملل بشر دوستانه نیست، بلکه عفو درباره موضوعاتی مانند خشونت در هنگام شورشها، خیانت، استفاده غیرقانونی از سلاح و ... است.^{۱۹}

عفو در چه جاهایی کاربرد دارد؟ چگونه می‌توان از آن برای کمک به عدالت انتقالی بهره گرفت؟ و راههای گسترش منطقی آن چیست؟ در این زمینه بایستی گزینه‌های ذیل را مورد توجه قرار داد:

۱. عفو تنها پس از بررسی عدم امکان به کارگیری دیگر روشها و متدها قابل اعمال است؛ ۲. به کارگیری عفو بر حسب ضرورت و بنا به شرایط و نیاز؛ ۳. به کارگیری عفو برای اعمال مفاد عدالت؛ ۴. به کارگیری بر مبنای جرم و اینکه ارتکاب آن جرم قابل عفو است یا نه؛ ۵. با توجه به اشخاص که آیا قابلیت عفو را دارند یا نه؟ ۶. با توجه به تصمیم یک کشور و شرایط آن کشور که چه جرایمی قابل عفو است، برای مثال ماسدونی جرایم بین‌المللی را شامل عفو ندانست.^{۲۰} ۷. با توجه به کارآیی عفو در آشتی ملی.

کمیسیونهای حقیقت‌یاب

کمیسیونهای حقیقت‌یاب ارگانهای موقتی هستند که معمولاً برای یک تا دو سال کار می‌کنند. این کمیسیونها به طور رسمی از سوی دولت و در برخی مواقع از سوی مخالفان مسلح تأیید می‌شوند. کمیسیونهای حقیقت‌یاب ارگانهای قضایی هستند که مستقل می‌باشند و معمولاً در هنگام انتقال وضعیتهای سیاسی از جنگ به صلح یا از رژیم اقتدارگرا به رژیم مردم‌سالار به وجود می‌آیند. این کمیسیونها در مسایل گذشته متمرکزند و وقایع گذشته را بررسی می‌کنند. در واقع کمیسیونهای حقیقت‌یاب پاسخگوی درخواستهای قربانیان و آسیب‌هایی که به آنها وارد آمد می‌باشند. کار این کمیسیونها با ارایه یک گزارش، جمع‌بندی و توصیه‌ها پایان می‌یابد و همه اینها در موضوع نقض حقوق بشر و استانداردهای حقوق بین‌الملل بشر دوستانه متمرکزند. از سال ۱۹۷۴ تاکنون دست کم ۲۵ کمیسیون حقیقت‌یاب با نامهای متفاوت به وجود آمدند، مانند: کمیسیونهای ناپدیدشدگان در آرژانتین، اوگاندا و سریلانکا، کمیسیونهای حقیقت‌یاب و عدالت در هائیتی، اکوادور، کمیسیون حقیقت‌یاب و سازش در شیلی، آفریقای جنوبی، سیرالئون، غنا، پرو، صربستان و مونته‌نگرو، کمیسیون تحقیق برای ارزیابی پیامدها و تاریخ دیکتاتوری آلمان شرقی در آلمان و به تازگی کمیسیون پذیرش، حقیقت‌یاب و سازش در تیمور شرقی.^{۲۱} البته یکسری تفاوتها و تمایزهایی نیز در درون کمیسیونهای حقیقت‌یاب وجود دارد که بایستی به آنها

توجه نمود. نخست اینکه برخی کشورها کمیسیونهایی را راه‌اندازی کردند که تنها در راستای تبیین حقایق تاریخی و اعاده حیثیت و افتخار به قربانیان و باز ماندگان ناشناس آنها بوده است، نه به منظور انتقال یا گذار سیاسی. دوم یکسری کمیته‌های تحقیق وجود دارند که با کمیسیونهای حقیقت‌یاب فرق دارند. سوم شماری از پروژه‌های غیرحکومتی که همانند کمیسیون حقیقت‌یاب دنبال کشف ماجرا هستند ولی کمیسیون حقیقت‌یاب نیستند. چهارم ارگانهای تحقیق دایمی روی موضوع حقوق بشر مانند ساز و کارهای حقوق بشری سازمان ملل متحد که با کمیسیونهای حقیقت‌یاب فرق دارند.^{۲۲}

به رغم وجود همه گونه‌های یاد شده از ساز و کارهای تحقیق، کمیسیون حقیقت‌یاب شناخته شده‌ترین ساز و کار عدالت انتقالی با بیشترین ارتباط با عدالت انتقالی در تئوری و عمل است. این کمیسیونها در شرایط بهینه می‌توانند در امور زیر سودمند باشند: کشف حقایق، روشن شدن نقض حقوق بشر در گذشته و تشویق بر ایجاد مسئولیت برای مرتکبین جنایات با اعلام عمومی اسامی مسئولین آن، توصیه برنامه جبران و پرداخت غرامت به قربانیان، اصلاحات قضایی و نهادی لازم، فراهم آوردن یک تریبون عمومی برای قربانیان برای آنکه آنها داستان شخصی خود را مستقیم و جلوی مردم نقل کنند، اختصاص یک بحث و مناظره عمومی برای تضمین بهتر آینده، رشد و ساخت همزیستی و آستی و تسامح در سطح شخصی و ملی.

با این همه، دشواریهایی نیز برای کار این کمیسیونها دیده می‌شود از جمله نبودن زمان برای انجام کامل مأموریت، نبود بودجه، پرونده‌های انبوه، نبود همکاری از سوی مرتکبین جنایات، قدرت محدود کمیسیون و عدم صلاحیت در حمایت از قربانیان و ... همچنین درباره همراهی نام «سازش» با نام «کمیسیون حقیقت‌یاب» و اینکه این نام به دلیل اینکه سازش جزو مأموریت کمیسیون است بایستی همراه با نام کمیسیون باشد یا نه؟ اکثریت بر این باورند که این دو نام بهتر است باهم باشند. در مقابل شماری دیگر بر این باورند که کمیسیون تنها بیانگر دریافت اخبار و اطلاعات و حقایق است بنابراین بایستی

نام سازش را بر آن اضافه کرد. با این همه در آفریقای جنوبی از هر دو نام در کنار هم بهره گرفته شد.^{۲۳}

گرامت به قربانیان

در موضوع عدالت انتقالی دولتها تنها متعهد به عمل علیه مسئولین نقض حقوق بشر نیستند. بلکه در راستای منافع قربانیان نقض حقوق بشر نیز باید عمل کنند. مثلاً جبران یا پرداخت غرامت مستقیم به برخی از مصایبی که قربانیان نقض حقوق بشر متحمل شدند می‌توانند ثبات و آرامش بیشتری را در کشور بیافرینند.^{۲۴} انگیزه‌های پرداخت غرامت عبارتند از قدردانی از قربانیان چه افراد و چه اجتماع، به وجود آوردن یک یادبود از مصایب گذشته و یک ثبات اجتماعی برای قربانیان، تدارک یک پاسخ متین به تقاضاهای غرامت، پیشبرد سازش با اعتماد سازی دوباره میان قربانیان و دولت.^{۲۵}

درباره چگونگی و شیوه پرداخت نیز بایستی به تکنیکهای ویژه‌ای توجه کرد: ۱. تعیین دقیق گروه دریافت کننده غرامت (قربانیان)؛ ۲. میزان پرداخت به هر فرد؛ ۳. تصمیم درباره پرداخت مالی و یا ارایه خدمات ویژه؛ ۴. بررسی موضوع ادغام و یا ترکیبی از پرداخت نقدی و ارایه خدمات. ضمن اینکه به دشواریهای این تکنیک نیز بایستی توجه نمود. برای مثال چه مقدار می‌توان در مقابل از دست دادن یک چشم، شکنجه‌های روانی و یا ... پرداخت؟ که در این زمینه‌ها، آیا پرداخت مادی جبران خسارت می‌کند؟

اصلاحات قضایی

کشورهایی که از استبداد یا جنگ خارج می‌شوند بایستی نهادها، سیستم‌های قضایی و سیاسی خود را اصلاح کنند تا به اهداف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی درازمدت مورد نیاز خود دست یابند.^{۲۶} در واقع در موضوع عدالت انتقالی اصلاح ساز و کارهای حقوقی و سیاسی، بازبینی قوانین و به کارگیری یک سیستم کارآمد می‌تواند به ثبات جامعه و گذار

منطقی از یک نظام اقتدار گرا به نظام دموکرات اثر گذار باشد. عزل اشخاصی که از اموال دولتی و بیت‌المال سوء استفاده کرده‌اند، ایجاد نهادهای جدید برای حمایت از حقوق بشر، از کار انداختن و بی‌اعتبار کردن نهادهای که می‌توانند سوء استفاده را به وجود آوردند، ایجاد دوره‌های آموزشی حقوق بشر، حقوق سیاسی و برنامه‌های حرفه‌ای و ایجاد اصلاحات قضایی و حقوق اساسی برای یافتن روشهای بهتر حکومتداری و پشتیبانی بهتر از حقوق بشر راهکارهای سودمند در این زمینه هستند. ضمن اینکه سیستم «پاکسازی» Vetting می‌تواند سبب ساز عدم استمرار کار افرادی شود که در اداره پلیس، ارتش، قوه قضاییه و ... سوء استفاده‌هایی را کرده‌اند و یا چنین افرادی را دیگر در نظام اداری به کار نگرفت.

دست‌آورد

در هنگامه‌ای که ساز و کارهای حقوق بشری قدرت فزاینده‌ای می‌یابند، عدالت انتقالی می‌تواند سبب ساز گذار پایدار جوامع از یک وضعیت اقتدارگرا یا دیکتاتوری به دموکرات و آرامش‌جو شود و حقوق قربانیان نقض حقوق بشر را تأمین کند. اکنون شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و بسیاری دیگر از ساز و کارهای بین‌المللی حقوق بشر در تلاشند تا به کنترل و ترویج حقوق بشر بپردازند و ساز و کارهای تنبیهی و جزایی مانند دیوان کیفری بین‌المللی نیز در این زمینه همانند مکانیزم جزایی و کنترلی عمل می‌کنند. ولی فراتر از موضوع ترویج، گسترش و کنترل حقوق بشر موضوع قربانیان نقض حقوق بشر و گذار یک چنین جامعه‌ای که آکنده از قربانیان نقض حقوق بشر است به یک جامعه با ثبات، دموکرات و پایدار مطرح است. در این زمینه، عدالت انتقالی با تکنیهای خاص خود به کمک چنین جوامع و قربانیان نقض حقوق بشر می‌آید. دادگاهها، عفو، کمیسیونهای حقیقت یاب، پرداخت غرامت، سازش و اصلاحات حقوقی و قضایی هر یک به تنهایی و در بیشتر موارد در کنار یکدیگر و با هم می‌توانند گذار یک جامعه را به سوی صلح و دموکراسی فراهم کنند. اگرچه «عدالت انتقالی» موضوع و رشته‌ای بدیع در حقوق بشر است ولی ریشه‌های کهن

هریک از تکنیکهای آن می‌تواند به عدالت انتقالی اعتبار و روایی ویژه‌ای در حوزه حقوق بشر
ارایه کند و کمکی باشد برای گذار از یک جامعه اقتدارگرا به یک جامعه دموکرات با دارا بودن
معیارهای با ثبات و یا پایدار حقوق بشر. □

پی نوشتها:

1. Charles Villa-Vicencio, *Les ressources de la transition*, Le Cap: Institut pour la justice et La Reconciliation, 2005, p. 1.
2. Mark Freeman, *Qu'est-ce que la justice transitionnelle?*, New York: institut de la justice transitionnelle, 2005, p. 1.
3. *Ibid.*
4. Mehdi Zakerien-*Qu'est-ce que la justice transitionnelle?*, Discours Presente a al Fondation universitaire europeennes a Bruxelles, Decembre 2005.
5. Mak Freeman, *op. cit.*, p. 1.

۶ در این زمینه و برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

William Schabas, *An Introduction to the International Criminal Court*, Cambridge: Cambridge University Press, 2001.

این کتاب به تازگی توسط جناب آقای دکتر میرعباسی به زبان پارسی برگردانده شده است.

www.icc_cpi.int

7. Mark Freeman, *op. cit.*, p. 4.

8. *Ibid.*

9. *Ibid.*, p. 5.

10. *Ibid.*, p. 6.

11. S/Res/808/1993.

۱۲. بنگرید به: مهدی ذاکریان، *حقوق بشر در هزاره جدید*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۱۰-۱۱۲.

13. Mark Freeman, *op. cit.*, p. 7.

14. The Alien Tort Claims Act (ATCT)

15. The Torture Victims Protection Act (TVPA)

۱۶. بنگرید به مهدی ذاکریان، *پیشین*، ص ۱۳۶-۱۳۳.

17. Erik Dontader, *L'amnistie*, Afrique Sud: Institue for Justice and Reconciliation, 2005, pp. 31-36.

18. Ronald Slye, "The Legitimacy of Amnesties Under International Law of Anglo-American Law," *Virginia Journal of International Law*, No. 43, 2002.

۱۹. بنگرید به بند ۵ ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی:

-ICRC, *Protocols Additional to the Geneva Conventions of the 12 August 1949*, Geneve: CICR, 2006, p. 95.

۲۰. بنگرید به:

-Diana Orentlicher, "Settling Accounts: The Duty to Prosecute Human Rights Violations of a Prior Regime," *Yale Law Journal*, No. 100, 1991.

- Mark Freeman, *op. cit.*, pp. 10-11.

-Charles Villa-Vicencio and Erik Drotter (eds.), *The Provocations of Amnesty: Memory, Justice and Impunity*, Le Cap: David Philip, 2003.

21. Charles Villa-Vicencio, *Les Commissions Verite*, *op.cit.*, pp. 3-9.

22. Priscilla Hayner, *Unspeakable Truths: Confronting State Terror and Atrocity*, New York: Routledge, 2001.

-Mark Freeman, *op. cit.*, pp. 13-14.

23. James Wilmot and Linda Van De Vijver (eds.), *After the TRC: Reflections on Truth and Reconciliation in South Africa*, Le Cap: David Philip, 2000.

24. Wole Soyinka, *The Burden of Memory, The Muse of Forgiveness*, New York: Oxford University Press, 1995, pp.12-15.

25. Erik Drotter, *Les Reparations*, *op.cit.*, pp.39-99.

26. www.asil.org/resource/humrts1.htm.

Mark Freeman, *op.cit.*, p.20.

همچنین بنگرید به کتاب:

Jack Donnelly, *Universal Human Rights in Theory and Practice*, Ithaca: Cornell University Press, 2003.